

رویکرد جمهوری اسلامی ایران در حکمرانی جهانی با تکیه بر قرآن

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۲۳

علی سعیدی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۴

چکیده:

با نگاهی گذرا به موقعیت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی می‌توان دریافت که بخش مهمی از سیاست خارجی کشور، به تنظیم مناسبات با نهادهای بین‌المللی و مقابله با اقدامات تحمیلی و یا تبعیض‌آمیز آنان معطوف بوده است. در وضعیت کنونی نیز آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و شورای امنیت سازمان ملل مهم‌ترین صحنه‌های اقدامات و تلاش‌های دیپلماتیک ایران به شمار می‌آیند و تصمیمات سیاسی و تبعیض‌آمیز این نهادها در موقعیت بین‌المللی کشور ما از اهمیت برخوردار است. طبیعی است که در چنین فضایی، قرآن و مضامین رفیع آن اختصاص به عصری خاص با اقلیمی مخصوص و نژادی ویژه ندارد. و ضمن عبادی کردن روابط انسانی، آن را در زنجیره‌های رشته‌انسانی اعم از: عقیده، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و سایر شاخه‌های آن برای نظام جهانی امکان‌پذیر ساخت. بنابراین با ابتناء به این مهم در پژوهش حاضر با استفاده از روش تحلیلی و توصیفی در پی پاسخ‌گویی به این سوال خواهیم بود که جمهوری اسلامی ایران و جهت‌گیری سیاست‌های کلی آن در رابطه با مفهوم حکمرانی جهانی با تکیه بر اساسنامه‌ی توحیدی قرآن چگونه است. که در پاسخ به سوال مزبور، این فرضیه مطرح می‌گردد که مواضع و سیاست‌های جمهوری اسلامی بر اساس ماهیت شالوده‌شکنانه و انقلابی که منبعث از قرآن است، خود در تقابل و تلاش برای جایگزینی نگاه مطلوب خود و در مفهوم حکمرانی جهانی برآمده از جهانی شدن به مفهوم امت واحده در عرصه بین‌المللی است.

واژگان کلیدی: «رویکرد»، «جمهوری اسلامی»، «قرآن»، «حکمرانی جهانی».

در میان تمام موضوعاتی که در فضای گفتمانی جهانی شدن مطرح هستند، موضوع حکمرانی جهانی و مدیریت فرآیند جهانی شدن از اهمیت زیادی برخوردار هستند. در واقع حل مسائل مختلف در حوزه ی جهانی شدن در گرو رویکردهای کلان حکمرانی جهانی است (صالحی، ۱۳۸۴، ص ۹۳). اگر فرض وجود جهان تک قطبی را بپذیریم حل تمام مسائل جهان در اراده و خواست این ابرقدرت بلامنازع است. در صورت وجود جهان چندقطبی حل مسائل جهانی، برآیند زورآزمایی و تعاملات قطب های جهانی خواهد بود. در نهایت در مدل حکمرانی مشارکتی مسائل جهانی از طریق خرد جمعی و تصمیم گیری دموکراتیک کشورهای مختلف انجام خواهد شد.

گرچه جهانی شدن متعلق به سده ی اخیر است ولی با نگاهی به تاریخ اجتماعی و سیاسی بشر می توان رگه هایی از حکمرانی جهانی را پیدا نمود. آنچه که در این نگاه به عنوان تاریخچه ی حکمرانی جهانی مورد نظر قرار می گیرد مسائل فرامرزی کشورها و ملت هایی است که بیش از یک ملت یا دولت در آن درگیر بوده است. از هنگامی که جهان به امپراتوری های بزرگی چون ایران و روم باستان تقسیم شده بود می توان مسئله ی حکمرانی جهانی را مشاهده نمود. علاوه بر تمدن های مزبور، اندیشه های قرآن با خصوصیت جهان نگری خود، همواره درصدد گسترش در سطح جهان بوده اند. ایده ی این که جهان به صورت یک جامعه واحد درآید و یا حداقل به صورت بالقوه اینچنین شود، تاریخی طولانی داشته که در آن سخن از بهشت جهان شمول روی زمین و یا پادشاهی خداوند بر روی زمین گفته شده است. در برخی از جنبش های جدید مذهبی نیز گام هایی مشخص برای دستیابی به سازمان های جهان شمول مذهبی، برداشته شده است (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۱۸۶).

بررسی ماهیت انقلاب اسلامی ایران با ریشه مذهبی و نگاه انتقادی خود به ساختار موجود و جهانی شدن و حکمرانی جهانی بیانگر این است که انقلاب ایران با نگاه به تغییری که به همراه خود دارد در زمره نظریه‌های شالوده شکن قرار می‌گیرد؛ چراکه مؤلفه‌های فکری و نظری و همچنین اهداف و اصول مطرح شده در انقلاب نشان می‌دهد که مهم‌ترین ویژگی انقلاب ایران ایجاد تغییر و دگرگونی در نظم بین‌المللی موجود برای رسیدن به مطلوب مورد نظر خود، یعنی «امت واحده»، است. و از این جهت در پی طرح مباحث نظری و ارائه ادبیات خود در روابط بین‌المللی و مفهوم حکمرانی جهانی است. بنابر آنچه که ذکر شد در پژوهش حاضر به دنبال چگونگی جهت‌گیری سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در رابطه با مفهوم حکمرانی جهانی هستیم.

۱. حکمرانی جهانی

بنیان فهم حکمرانی جهانی، تمایز بین حکمرانی و حکومت است. بر اساس استدلال جیمز روزنا گرچه هر دو اصطلاح به نظامی از اعد اشاره دارند، اما مفهوم حکومت حاکی از فعالیت‌هایی است که تحت حمایت اقتدار رسمی برای تضمین اجرای سیاست‌ها و رعایت قانون هستند؛ در حالی که، حکمرانی عبارت است از ظرفیت انجام کارها بدون صلاحیت قانونی برای ایجاد انجام آنها. روزنا ایستار نسبتاً مثبتی در قبال حکمرانی اتخاذ کرده و آن را نظامی از قواعد تعریف می‌کند که همواره نیازمند پذیرش اکثریت است. در مقابل، کارکردهای حکومت می‌تواند با وجود مخالفت گسترده هم عملی شود. او نتیجه می‌گیرد که حکمرانی بدون حکومت (یعنی تصور سازوکارهای تنظیمی در حوزه‌ای از فعالیت که به صورت موثر عمل می‌کنند گرچه از نعمت اقتدار رسمی برخوردار نیستند) ممکن است

(Rosenau and Czempiel, ۱۹۹۲: ۳-۵, ۲۵۰).

نخستین گزارشی که مفهوم حکمرانی جهانی در آن به کار رفت و در سطح گسترده انتشار یافت، گزارش کمیسیون حکمرانی جهانی بود که با عنوان مجله‌ی

جهانی ما در سال ۱۹۹۵ منتشر شد. در گزارش مذکور که توجه گسترده ای را به مفهوم حکمرانی جهانی معطوف کرد، حکمرانی جهانی اینگونه تعریف شده است: مجموع روش های فراوانی که مطابق آنها افراد و نهادها، عمومی و خصوصی، امور مشترکشان را مدیریت می کنند. فرآیندی مداوم که از طریق آن منافع متضاد یا متنوع ممکن است هم ساز شوند و اقدام همکارانه صورت گیرد. این گزارش به ماهیت متغیر اقتدار و ظهور منابع جدید اقتدار به وسیله ی سایر کنش گران اذعان کرد. و نتیجه می گیرد که بهترین راه برای مقابله با چالش های قرن بیست و یکم، مدیریت قابلیت های کنش گران جدید تحت هدایت و نظارت نظام ملل متحد است.

ویژگی محوری برداشت کمیسیون مذکور از حکمرانی جهانی، نقشی بود که در برقراری و اجرای حکمرانی برای نهادهای خصوصی غیردولتی در نظر گرفته می شد. همگرایی اقتصادی به ویژه رشد بازارهای سرمایه، خیل عظیمی از بازیگران تازه را به صحنه آورده است. به گفته ی کمیسیون در برخی موارد حکمرانی به بازارها و نهادهای بازار تکیه خواهد داشت. برای بازشناسی دامنه ی فراخ تری که حکمرانی پس از جنگ سرد پیدا کرده بود لازم بود منابع خصوصی حکمرانی مانند سازمان های غیردولتی، جنبش های شهروندان و شرکت های چندملیتی را هم منظور سازیم. پس از این حکمرانی اساساً نتیجه ی روابط میان حکومت ها شناخته می شد. به گفته ی کمیسیون یادشده، پذیرش نقش نهادهای خصوصی در حکمرانی، کارایی آن ها را بالا می برد. ولی تاکید بر این منابع خصوصی جدیدتر حکمرانی با نگرش مدیریتی تر به چگونگی برخورد با مشکلات جهانی کاملاً جور بود. اولویت دادن به عواملان خصوصی می توانست باعث تقویت جنبه ی مدیریتی مفهوم حکمرانی جهانی شود زیرا عواملان خصوصی، سیاسی به معنای همه فهم این اصطلاح نیستند. آن ها سررشتی فنی دارند. حتی اگر مانند سازمان های غیردولتی از گروه های نفوذ پشت صحنه باشند، توجه اصلی شان به طرح های عملی است و نه به دگرگونی سیاسی (گریفیتس، ۱۳۸۸، صص ۳۶۳۱-).

توماس دایز و همکاران بر آن لند که مفهوم حکمرانی جهانی، بر نظامی از قواعد در مقیاس جهانی دلالت دارد که مرکب از نهادهای حکومتی جهانی رسمی و نیز سازوکارهای غیرحکومتی غیررسمی است. بدین ترتیب، حکمرانی جهانی را تعدادی از کنش گران اعمال می کنند: دولت های عضو موافقت نامه های همکاری چندجانبه نظیر گروه هشت، سازمان های بین حکومتی نظیر سازمان ملل متحد یا رژیم های بین المللی نظیر رژیم تغییر آب و هوا و کنش گران غیر دولتی به شکل همکاری با دولت ها یا به صورت مستقل، (برای نمونه از طریق کمپین های بین المللی نظیر کمپین بین المللی ممنوعیت مین های زمینی یا از طریق مشارکت های عمومی - خصوصی) نظیر صندوق جهانی مبارزه با ایدز، سل و مالاریا. بنابراین، مفهوم حکمرانی جهانی حاکی از بروز یک تغییر ملموس در اقتدار است و این واقعیت را منعکس می کند که در سیاست جهان معاصر، دیگر منبع اقتدار و قدرت، تنها نظام دولتی و ستفالیایی نیست: (Diez et al, ۲۰۱۱, ۷۳-۷۴).

جان کلارک و جفری ادواردز، از جهاتی تعریف حکمرانی بر حسب آنچه نیست را ساده تر می دانند. مطابق نظر آنها، ویژگی های آنارشیک، و ضعف نسبی سازوکارهای تحکیمی در نظام بین الملل بدان معناست که حکمرانی جهانی نمی تواند به شکلی از حکومت شبیه به آنچه درون دولت ها وجود دارد اشاره داشته باشد. اما، نظام، برای مثال، از طریق مجموعه ای از هنجارهای مجسم در مجموعه ی رو به رشدی از معاهدات و ترتیبات سیاسی منطقه ای نظیر اتحادیه ی اروپا تنظیم می شود. به طور خلاصه، اصطلاح حکمرانی به فرآیند تنظیمی اشاره دارد که در سراسر نظام رخ می دهد. اصطلاح جهانی نیز مظهر حرکت به فراسوی دامنه ی روابط منحصر بین المللی یا بین دولتی است و از این طریق شامل انواع کنشگرانی می شود که اکنون قابلیت تاثیر بر نظام را دارند. بنابراین، حکمرانی

جهانی به مجموعه ای از هنجارها و فرآیندهای هنجاری، اجتماعی، حقوقی و نهادی اشاره دارد که به فعل و انفعال دیالکتیکی بین جهانی شدن و پراکندگی شکل می دهند و در برخی موارد آن را حتی تنظیم و کنترل می کنند. این رابطه نیز واکنشی است: جریان های جهانی شدن و پراکندگی به حکمرانی جهانی شکل می دهند و بر عکس. (Clarke and Edwards, ۲۰۰۴: ۶)

توماس وایس و لئون گوردنکر در تعریف حکمرانی جهانی می نویسند: ما حکمرانی جهانی را به عنوان تلاش هایی برای پاسخ های منظم تر و قابل اتکاتر به موضوعات اجتماعی و سیاسی که از ظرفیت های دولت ها برای برخورد منفردانه با آن ها فراتر می روند تعریف می کنیم. مثل دنیای سازمان های غیرحکومتی، حکمرانی جهانی حاکی از فقدان اقتدار مرکزی و نیاز به تشریک مساعی یا همکاری میان حکومت ها و دیگرانی است که در پی تشویق رویه ها و اهداف مشترک در برخورد با موضوعات جهانی هستند. ابزارهای حصول حکمرانی جهانی شامل فعالیت های سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین حکومتی و ترتیبات همکاری ی مستمر میان دولت هاست (Weiss and Gordenker, ۱۹۹۶: ۱۷).

همچنین، حکمرانی جهانی به عنوان سیستمی که برای پیشبرد اهداف مشترک جامعه ی انسانی به گونه ای نظام مند و بر مبنای عدالت و برابری طراحی می گردد تعریف شده است. در این تعریف بر وابستگی متقابل جوامع انسانی و به تبع آن، مدیریت مشترک مسائل ناشی از این وضعیت تاکید می گردد. از این منظر برای تحقق حکمرانی جهانی وجود سه شرط اساسی ضروری است: الف) ارزش های مشترک که بنیان حکمرانی جهانی به شمار می آیند، زیرا تا اجماعی بر سر ارزش های مشترک و ضرورت حفظ آنها در پهنه ی جهانی وجود نداشته باشد، به صورت طبیعی زمینه ی لازم برای تحقق این موضوع فراهم نمی آید. در واقع، وجود این ارزش ها احساس تعلق به یک اجتماع واحد را ایجاد می کند؛ احساسی که در شکل گیری حکمرانی جهانی اهمیت اساسی دارد؛ ب) بازیگرانی که از

مشروعیت لازم نزد افکار عمومی برای بر عهده گرفتن وظایف ناشی از حکمرانی جهانی برخوردار باشند؛ و ج) مکانیسم های حکمرانی موثر که قادر به پیشبرد ارزش ها و منافع مشترک از راه های مشروع باشند- ۱: (Guzman, ۲۰۰۱, ۸۴).

بر مبنای تعریفی دیگر، حکمرانی جهانی عبارت است از تدبیر امور روابط فرامرزی بدون برخورداری از اقتدار حاکمیتی. از این دیدگاه، تنها تفاوت حکمرانی جهانی با اقداماتی که دولت ها در قلمروی داخلی خود انجام می دهند به بحث حاکمیت باز می گردد و در سایر جنبه ها تفاوتی میان آنها وجود ندارد (finkelstein, ۱۹۹۵: ۳۶۹).

۲. حکمرانی از منظر قرآن

تعریف های بالا در فرآیند دیالکتیکی، دال بر به اجماع نرسیدن معنایی در خصوص مفهوم «حکمرانی» است؛ در صورتی که با تمهیدات لغوی که منبعث از قرآن می باشند، می توان مدعی شد که بار معنایی عدالت در دلالت های لفظی واژه «حکمرانی» مستور است. تلفیق مفهومی واژه «ران» با «حکم»، نوعی رابطه شبیه رابطه راکب و مرکوب را بین حاکم و حکم خود نشان داده و مفید این معنی است که حکمران بر حکم خود نوعی «استیلاء» داشته و آن را به هر جهتی که بخواهد سوق می دهد. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه فرمودند: «و لا تصلح الرعیة الا بصلاح الولاة» (سیدرضی، ۱۳۸۸ش، خطبه: ۲۱۶)؛ یعنی صلاحیت و شایستگی مردم منوط به شایستگی حکمرانان است. قرآن در اوج خصومت جامعه ی اسلامی با دشمنان دیرینه خود می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کونوا قوامین لله شهداء بالقسط، و لا یجرمنکم شنان قوم علی الا تعدلوا» (مائده: ۸). علامه طباطبایی ذیل آیه مزبور می گوید: غرض این بوده که مؤمنین را از ظلم در شهادت به انگیزه سابقه دشمنی شاهد نسبت به مشهود علیه نهی کند، لذا شهادت را مقید به قسط کرد، و فرمود: باید که شهادت شما به قسط و به حق باشد و در شهادت دادن عداوت و غرض های شخصی را دخالت ندهید (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵،

ص ۲۳۶). بنابراین به مسلمانان چنین هشدار می‌دهد که نباید کینه‌ها و عداوتهای قومی و تصفیه حساب‌های شخصی مانع از اجرای عدالت و موجب تجاوز به حقوق دیگران گردد، زیرا عدالت از همه اینها بالاتر است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۲۹۹).

۳. جهانی بودن زبان قرآن

قرآن می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰). علامه طباطبایی در ذیل آیه مزبور می‌گوید: در آن روز کسی که از او اعراض کرده باشد، و رو به غیر او آورده باشد، راه نجاتی ندارد، پس روی دل به سوی دین کن، و ملازم آن باش، که آن همان دینی است که خلقت الهی بدان دعوت می‌کند. بنا بر این مراد از «اقامه وجه برای دین» روی آوردن به سوی دین، و توجه بدان بدون غفلت از آن است، مانند کسی که به سوی چیزی روی می‌آورد، و همه حواس و توجهش را معطوف بدان می‌کند، به طوری که دیگر به هیچ طرف نه راست و نه چپ رو بر نمی‌گرداند و ظاهراً لام در «دین» لام عهد است، و در نتیجه مراد از دین، اسلام خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۷۷). قرآن کریم کتاب هدایت همه انسانها در همه اعصار است؛ پهنه زمین و گستره زمان حوزه نورافشانی خورشید همواره تابان قرآن کریم است. نور هدایت قرآن تا آن جا که مرز بشریت است می‌تابد: «وما هی إلا ذکری للبشر» (مدثر: ۳۱) «وما هو إلا ذکر للعالمین» (قلم: ۵۲). با ابتناء به آیات پیش گفته، قرآن و مضامین رفیع آن اختصاص به عصری خاص یا اقلیمی مخصوص و یا نژادی ویژه ندارد. جامع‌نگری قرآن در همه عرصه‌های انسانی حقیقت بارز است که به گونه‌ای شفاف نمایانده شده است. هنر قرآن نه تنها این است که قداست ارتباط عبد با مولا را در میدان عبادت

ترسیم می کند، بلکه می خواهد تمامی روابط انسانی را عبادی کرده و عبودیت محضه را بر سراسر وجود انسانی حاکم گرداند و این جز با نفوذ آیات در زنجیره های رشته انسانی اعم از عقیده، فرهنگ، اقتصاد، سیاست و سایر شاخه های آن امکان پذیر نیست. قطعاً جامعه امروز اسلام با فرهنگ و بینشی فراتر از همه دوران گذشته، متوجه خویشتن خویش شده و اسلام آزاد شده از قیدها، بدعت ها، تحریف ها و نیرنگ ها را باز شناخته و به دنبال آن است تا حضور محسوس دین را از خاور اندیشه تا باختر عمل باز یابد (جوادی آملی، ۱۳۹۳ش، ج ۱، ص ۲۰).

کتابی که برای هدایت همگان تنزل یافته و از نظر وسعت حوزه رهنمود جهان شمول است، باید از دو ویژگی برخوردار باشد: ۱- به زبانی جهانی سخن بگوید تا همگان از معارف آن بهره مند باشند و هیچ کس بهانه نارسایی زبان و بیگانگی با فرهنگ آن را خار راه خود نبیند و از پیمودن صراط سعادت بخش آن باز نایستد.

۲- محتوایش برای همگان مفید و سودمند بوده، احدی از آن بی نیاز نباشد؛ همانند آبی که عامل حیات همه زندگان است و هیچ موجود زنده ای در هیچ عصر و مصری از آن بی نیاز نیست. مراد ما از زبان قرآن و مردمی بودن آن، سخن گفتن به فرهنگ مشترک مردم است. انسانها گرچه در لغت و ادبیات از یکدیگر بیگانه اند و در فرهنگ های قومی و اقلیمی نیز با هم اشتراکی ندارند، اما در فرهنگ انسانی که همان فرهنگ فطرت پایدار و تغییرناپذیر است، با هم مشترکند و قرآن کریم با همین فرهنگ با انسان ها سخن می گوید، مخاطب آن فطرت انسان هاست و رسالت آن شکوفا کردن فطرت هاست و از این رو زبانش برای همگان آشنا و فهمش میسر عموم بشر است (جوادی آملی، ۱۳۹۳، ص ۳۳).

جهانی بودن زبان قرآن کریم و اشتراک فرهنگ آن، در چهره اجتماع دلپذیر سلمان فارسی، صُهبیب رومی، بلال حبشی، اویس قرنی و عمار و ابوذر حجازی در ساحت قدس پیامبر جهانی حضرت محمد (ص) که شعار «أرسلتُ إلی الأبیض

والأسود والأحمر» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۳، ص ۳)، او شهره آفاق شد، متجلی است؛ زیرا در پیشگاه وحی و رسالت که ظهور تام وحدت خدای سبحان است، «کثرت صورت» محکوم «وحدت سیرت» است و تعدد زبان، نژاد، اقلیم، عادات و آداب و دیگر عوامل گوناگون بیرونی مقهور اتحاد فطرت درونی است.

۴. مؤلفه‌های لازم برای نقش آفرینی در حکمرانی جهانی

۴-۱. قدرت اقتصادی

برخورداری از اقتصادی قدرتمند اولین مؤلفه کشورهایی است که در عرصه ی جهانی به اعمال نظر و قدرت می پردازند. قدرت اقتصادی شامل دو بخش است: اولاً این قدرت باید در حوزه ی نظام سازی و مدیریت جامعه نمایان شود. ثانیاً اقتصاد قدرتمند باید در حوزه ی نظری نگرشی جهانی و برتر نسبت به سایر مکاتب اقتصادی داشته باشد. برای نمونه اندیشه ی کمونیسم اشتراک منابع را ایجاب می کند و در عمل برای مدیریت این منابع مشترک یک قدرت متمرکز مورد نیاز خواهد بود. این نگاه در تعاملات اقتصادی جهانی به حضور یک قدرت اقتصادی بلامنازع که بقیه کشورها را به اطاعت خود وادار کند، نیاز دارد. اندیشه ی سرمایه داری با هدف کسب سود از هر طریقی رقابت اقتصادی جهانی را ایجاب می کند. سرمایه داری رسماً فراملیتی است (مگداف، ۱۳۸۳، ص ۹۰). هدف از آن کسب سود از هر نوع بازاری صرف نظر از موانع ملی، منطقه ای، مذهبی و سایر محدودیت ها در همه جا است (مان، ۱۳۸۳، ص ۹۰). این نگاه، رقابت بیرحمانه و حتی ناعادلانه اقتصادی در سطح جهان را ایجاب می کند. اگر کشوری بخواهد از مؤلفه قدرت اقتصادی برخوردار باشد، لازم است اندیشه ی اقتصادی آن کشور نگرش جهانپذیر و نظام

ساز داشته باشد. پذیرش جهانی اندیشه‌ی اقتصادی یک کشور موجب نفوذ کشور در سطح افکار نخبگان جهانی می‌شود و از این طریق در مدیریت جهان قدرت نقش آفرینی بیشتری می‌یابد.

۲۴- قدرت اقتصادی در قرآن

اقتصاد ایران در سایه تفکر جمهوری اسلامی ایران همیشه آماج حملات دشمنان است و یکی از ضربه‌های دشمنان که می‌تواند جامعه را دچار تزلزل کند، مشکلات اقتصادی است. در واقع، یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم، سکان هدایت یک جامعه را در دست می‌گیرد، اقتصاد آن کشور است. از منظر قرآن کریم، بر خلاف اقتصاد کمونیستی و نظام سرمایه داری، اقتصاد سالم و رشدیابنده مبتنی بر اصول ذیل است: شناخت و تدبیر امور اقتصادی از راه تفقه، تعقل، اعتقاد به توحید (تجلی توحید در اقتصاد)، اعتقاد به معاد، اعتقاد به مظهري از عبودیت بودن عملیات اقتصادی، دخالت دولت در اقتصاد، عدالت در عملیات اقتصادی و تزکیه. در فرآیند اقتصاد قرآنی در آیه ۲۹ سوره نساء، ایمان آورندگان را از تجاوز به حقوق یکدیگر منع کرده و بهترین راه برای مراودات اقتصادی و بهره‌وری از آن را منوط به تجارت سالم دانسته؛ عمل شنیعی که غرب و کشورهای قدرتمند در راه استثمار اموال کشورهای ضعیف از منابع زیرزمینی از قبیل معادن، نفت و منابع روزمینی از قبیل جذب استعداد های برتر و ... انجام می‌دهند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»، ابن عاشور در ذیل تفسیر آیه‌ی مزبور، منظور از «أكل الاموال» را استیلاء و چپاول اموال دیگران بدون در نظر گرفتن مالکیت آن دانسته است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۴، ص ۹۹). سپس در آیه ۱۰ سوره اعراف «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ» (اعراف: ۱۰)، شیوه‌های عملی بهره‌گیری از مواهب طبیعی را عمران و آبادی زمین و دستیابی به پیشرفت اقتصادی افراد و جوامع پیش روی لنان نهاده است. علامه در ذیل آیه مزبور می‌گوید: معنای «مکناکم» این است که: ما شما را در زمین منزل دادیم. و «معایش» جمع معیشت به معنای چیزهایی است که با آن زندگی می‌شود، از قبیل خوردنیها و

آشامیدنی‌ها و امثال آن. این آیه در مقام منت نهادن بر آدمیان است به نعمت‌هایی از قبیل نعمت سکونت در زمین و تسلط و استیلاء بر آن که به آنان ارزانی داشته و نیز انواع نعمت‌هایی که خداوند برای ادامه زندگی انسان در آن قرار داده، و لذا در آخر آیه می‌فرماید: «قَلِيلًا مَا تَشْكُرُونَ».

قرآن کریم افزون بر ذکر شیوه‌های اقتصاد برتر، ضمن توجه به اهمیت و تأکید بر انجام جهاد اقتصادی و رونق اقتصادی: «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَامًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۵)، مهمترین عاملی که جامعه‌ی انسانی را بر اساس خود پایدار می‌دارد، اقتصاد می‌داند. اقتصاد است که خداوند آن را مایه‌ی قوام جامعه قرار داده است. نقش ثروت در زندگی فردی و اجتماعی، همچون نقش آب در زندگی جانداران است؛ یعنی همچنان که زندگی جانداران بدون آب ممکن نیست و حیات همه‌ی موجودات زنده به آن بسته است، در زندگی فردی و اجتماعی نیز حیات افراد و کشورها به مال و ثروت بستگی دارد و بدون آن، ادامه‌ی حیات ممکن نیست. نیز همچنان که جریان خون در بدن، موجب حیات همه‌ی بافت‌های بدن شده، جسم انسان را شاداب نگه می‌دارد، جریان داشتن پول، ثروت و مواهب طبیعی در رگه‌های اجتماع، موجب زنده ماندن همه‌ی طبقات اجتماع و شاداب ماندن جامعه انسانی می‌شود؛ از همین روی در آیه‌ی مزبور، قرآن کریم ثروت را عامل پلینانی و قیام فرد و جامعه می‌داند. در واقع، از آن روی که مال سبب قیام و استقلال است، آن را بنا بر اطلاق مسبب بر سبب برای مبالغه به قیام نامیده است (حقی بروسوی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۰۲). پس یکی از عناصر و اجزای جامعه که به شکل مستقیم، سگّان هدایت جامعه را در دست می‌گیرد، اقتصاد آن کشور است و هر گونه قدم برداشتن برای اصلاح و بهبود آن می‌تواند به منزله‌ی گام‌هایی در جهت تعالی دیگر بخش‌های جامعه و رفاه حال عمومی و فعالیت در اعتلای پایه نظام و کشور باشد. در نظام اقتصاد اسلامی، تأمین رفاه عمومی و زدودن فقر از سطح جامعه و نیز رسیدن به اقتدار و استقلال اقتصادی، مستلزم داشتن اقتصادی شکوفا و در حال رشد است. استقلال اقتصادی و شکوفایی آن را می‌توان از آیات قرآن دریافت. از اطلاق برخی آیات و لازمه‌ی برخی دیگر، لزوم استقلال و شکوفایی

آن فهمیده می شود؛ برای مثال می فرماید: «...لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء: ۱۴۱) که غالب فقهای بزرگ اسلام، برای نفی هرگونه سلطه ی کافران بر مسلمانان بدین آیه استناد کرده‌اند و مفاد آن را محکم دانسته‌اند؛ یعنی مسلمانان می باید کاری کنند که کفار به آنان مسلط نشوند و هر عملی که منهی به سلطه ی کفار شود، نامشروع است و از جمله راه های سلطه ی کفار بر مؤمنین، سلطه ی اقتصادی است. متأسفانه در این روزگار سلطه ی اقتصادی بیگانگان بر مسلمانان به مقتضای ایمان و مهجور گزاردن قرآن می باشد. مطابق مستفاد این آیه، مؤمنان وظیفه دارند تلاش کنند و خود را از وابستگی ها، از جمله وابستگی اقتصادی، رهایی دهند. بنابراین از آنجا که کلمه «سبیل» به اصطلاح از قبیل «نکره در سیاق نفی» است و معنی عموم را می رساند از آیه استفاده می شود که کافران نه تنها از نظر منطق بلکه از نظر نظامی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و خلاصه از هیچ نظر بر افراد با ایمان، چیره نخواهند شد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۴، ص ۱۷۵).

۳-۴. قدرت سیاسی و نظامی

چشمگیرترین تغییرات در دوران اخیر در روابط ناشی از قدرت سیاسی و نظامی پدید آمده است (مان، ۱۳۸۳، ص ۹۷). قدرت نظامی به معنای برخورداری از توان اعمال زور و قدرت بر سایر کشورها با هدف تأمین منافع خود است. قدرت سیاسی در مقابل به معنای تأمین منافع خود از روشی غیر از اعمال زور و قدرت است. به عبارت دیگر کشورهای مختلف برای تأمین خود در سطح جهان از نهادهای رسمی بین‌المللی و نیز نهادهای غیررسمی و بعضاً مخفیانه استفاده می‌کنند. اگر استفاده از این نهادها منجر به تأمین منافع کشورها نشد از گزینه‌ی اعمال زور و مداخلات نظامی در سطوح مختلف بهره می‌برند. قدرت نظامی یک کشور صرفاً به معنای برخورداری از تسلیحات جنگی و ارتش‌های مجهز نیست بلکه به معنای توان بهره‌گیری از ابزارهای قهرآمیز همراه با خشونت است. تغییر تاکتیک‌های جنگی و نیز وارد شدن مؤلفه غیرنظامیان به درگیری‌های نظامی تعریف جدیدی از قدرت نظامی نشان می‌دهد (مان، ۱۳۸۳، ص ۹۸).

قدرت نظامی و سیاسی از پیچیده‌ترین مؤلفه‌های قدرت است. علیرغم اینکه وجود ارتش‌های منظم و بزرگ و برخوردار از تجهیزات پیشرفته، نمایانگر وجود قدرت نظامی است ولی دلیل تامه به شمار نمی‌رود. به هر حال برخورداری از قدرت سیاسی و نظامی به معنای حضور سیاسی و استفاده از ابزارهای قهرآمیز و جنگی در مسائل جهانی در دهه‌ی اخیر مهمترین مؤلفه‌ی کشورهای است که خواهان مدیریت جهانی هستند.

۴۴- قدرت سیاسی و نظامی از منظر قرآن

سیاست از منظر قرآن عبارت است از: تدبیر و مدیریت حکیمانه، عالمانه، مصلحانه و ولایی امور امت با بهره‌گیری از همه‌ی اسباب و امکانات مادی و معنوی مشروع و مناسب در راستای حفاظت از منابع انسانی و غیر انسانی از راه ایجاد مقتضیات و دفع و رفع موانع به هدف تحقق سعادت دنیوی و اخروی و تأمین اهداف متعالی انسان و امت. این اهداف متعالی شامل: رسیدن به مقام عبودیت و تقوای الهی و کسب کرامت اکتسابی و عزت و اقتدار از طریق اجرای شریعت و اصولی چون تعلیم و تزکیه و عدالت و مانند آن هاست. در اصطلاح قرآنی عمل اجتماعی مهم و تأثیرگذار است که در سرنوشت امت در دنیا و آخرت نقش دارد. از نظر قرآن، سیاستمداران و حاکمان، اولیای امور و ولی امر هستند (نساء: ۵۹). بنابراین خداوند پیامبرش را مأمور می‌کند تا در امور اجتماعی و سیاسی و نظامی که امور مهم امت است، با مؤمنان و امت اسلام مشاوره کند (آل عمران: ۱۵۹). به طور کلی اهداف متعالی نظام ولایی بر خلاف نظام های غربی که محدود به آسایش و آرامش دنیوی است، فراتر از آن است؛ چرا که شامل آرامش و آسایش اخروی افزون بر دنیا است. به دیگر عبارت، مهمترین اصول اساسی سیاست قرآنی و اهداف متعالی آن عبارت است از: الف- رسیدن به مقام عبودیت شریعت محور (ذاریات: ۵۹). ب- تقوای الهی شریعت محور (بقره: ۲۱). ج- کسب کرامت اکتسابی شریعت محور (حجرات: ۱۳). د- عزت و اقتدار شریعت محور (نساء: ۱۳۹؛ منافقون: ۸). ه- تعلیم و تزکیه (بقره: ۱۵۱۱۲۹؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲). و- عدالت (حدید: ۲۵).

مستند به تدبیر امور دنیوی و اخروی جامعه‌ی اسلامی توسط مدبران و سیاسیون، جنگ به عنوان یکی از مصادیق این تدبیر، تابع بینش علمی و عملیاتی عمیق و گسترده‌ای است که با بررسی سوابق مطالعات انجام شده در آیات جهاد می‌توان خلأ رویکردهای جدید غربی را در این مورد مشاهده نمود. بر اساس آیات قرآن، جنگ‌های مشروع و پسندیده در اسلام عبارتند از: جنگ دفاعی (حج: ۳۹)؛ جنگ با مشرکان، کفار محارب و معاند (بقره: ۱۹۱-۱۹۰)؛ توبه: ۲۹، ۳۶، ۱۲۳ و فرقان: ۵۲)؛ جنگ با منافقان (نساء: ۹۱)؛ جنگ با پیمان شکنان خیانت کار (توبه: ۱۵-۱۲)؛ جنگ در راه خدا و برای خدا نه تعرض و تصاحب خاک و توسعه قدرت هر چند کفار باشند (بقره: ۱۹۰-۱۹۴)؛ حج: ۳۸۴۰-)؛ جنگ با اهل بغی (حجرات: ۱۳)؛ جنگ برای نجات ستم دیدگان (نساء: ۷۵)؛ جنگ برای احقاق حق خداوند و حقوق انسانی انسان‌ها (بقره: ۱۹۳)؛ آمادگی و تجهیزات جنگی تنها برای ترساندن دشمنان از تجاوز و نشان دادن تمایل به صلح در صورتی که دشمن تمایل به صلح نشان دهد (انفال: ۶۰۶۱-) (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۶۵۶۹)؛ قرشی، ۱۳۸۱ش، ج ۵، ص ۲۳۲۲۳۳-؛ مطهری، ۱۳۷۳ش، ص ۴۵۵۵-؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۵۹؛ مصباح یزدی، ۱۳۸۷ش، ص ۱۳۹).

۴-۵. قدرت ایدئولوژیک

از زمان امپراتوری روم، رهبران سیاسی از ایدئولوژی بهره گرفته‌اند تا از یک سو توده‌ها را ساماندهی کنند و آگاهی مشترکی را به اذهان آنان تزریق نمایند و از سوی دیگر ایدئولوژی‌های رقیب را نابود و یا از میدان به درکنند. کارکرد ایدئولوژی همانا کمک به ایجاد، حفظ، بسط و یا از هم پاشیدن جوامع سیاسی، دولت‌ها، امپراتوری‌ها و نظام‌های جهانی و محلی است (Hyble, ۲۰۰۹).

قدرت ایدئولوژیک مبتنی بر این واقعیت است که ایده‌هایی با سرشتی خاص که توسط اشخاص صاحب اقتدار خاص صورتبندی شده‌اند، می‌توانند بر رفتار و باورهای افراد تأثیر بگذارند. بنابراین قدرت ایدئولوژیک اساساً قدرت یا اقتدار

تفسیر است؛ یعنی تفسیر بنیان‌ها و ویژگی‌های یک ایدئولوژی خاص. قدرت ایدئولوژیک صرف نظر از اینکه در زمینه‌ی یک ایدئولوژی کلی، یک ایدئولوژی خاص یا حتی در جامعه‌ای باشد که ظاهراً هیچ ایدئولوژی خاصی در آن تفوق یا سلطه ندارد، قدرت تعیین حق و باطل، خودی و بیگانه، مقبول و نامقبول بدون اعمال اجبار فیزیکی است. پس هم در جوامعی که ایدئولوژی خاصی حاکم است و هم در جوامع فرضی غیر ایدئولوژیک و حتی در درون گروه‌های ایدئولوژیک در سطح پایین اجتماعی، قدرت ایدئولوژیک در اختیار اشخاص حقیقی یا نهادهایی است که می‌توانند هنجارها، باورها و ارزش‌های اجتماعی را تفسیر، تعدیل یا تقویت کنند. این نکته بویژه در جوامعی که یک ایدئولوژی رسمی مانند مذهب دولتی وجود دارد و نیز در برخی گروه‌های خاص ایدئولوژیک در جوامع مختلف آشکارتر است. حتی در جوامع مدرن غربی مانند آمریکا نیز می‌توان نمونه‌هایی از آن را دید: رسانه‌های گروهی و صنعت سرگرمی از جمله تصمیم‌گیرندگان اجرایی که با گزینش برخی اخبار و تصاویر خاص و ارائه‌ی تصویری مثبت یا منفی از رویدادها و اشخاص، قدرت ایدئولوژیک خود را اعمال می‌کنند؛ یا افراد برجسته نظیر رئیس‌قبلی یا فعلی دولت یا اشخاص معروف مانند ستارگان سینما یا هنرمندان بزرگ که صرفاً با بیان نظر خود می‌توانند آرمان خاصی را عملاً دنبال کنند (ملک احمدی، ۱۳۷۹).

کشوری که درصدد حضور در فرآیند حکمرانی جهانی است باید از ایدئولوژی جهانی برخوردار باشد. ایدئولوژی جهانی به معنای ایدئولوژی است که پذیرش جهانی داشته و جامعه‌ی جهانی در سطح نخبگان و عموم مردم پذیرای آن باشند. تقریباً تمامی مکاتب فکری و حوزه‌های فرهنگی سودای جهان‌شمولی را دارند ولی وجه تمایز ایدئولوژی‌های غالب با اندیشه‌های مغلوب در میزان پذیرش افراد در سطح جهانی است. ایدئولوژی‌های جهانی باید گفتمان جهانی، زبان مشترک جهانی و راه‌حل‌های مبتنی بر تجربه و خرد جمعی

انسان‌ها داشته باشند. این اندیشه‌ها و مکاتب فکری توان ارائه‌ی چارچوب نظری مدرن برای حل مسائل بشری را دارند.

از دیگر عوامل مهم در قدرت ایدئولوژیک آینده نگری و آینده سازی آن است. ایدئولوژی قدرتمند باید بتواند در مورد وقایع آینده توضیح و آینده‌ی مطلوب خود را ترسیم نماید. علاوه بر این باید بتواند بسترهای تحقق آینده‌ی مطلوب در سطح جوامع انسانی را روشن کند. ایدئولوژی‌های فاقد آینده‌ی مدون، در مقابل تحولات جهانی منفعل هستند و از این رو برای حکمرانی جهانی و طراحی نقشه‌ی آینده‌ی جهان فاقد کارایی هستند. ویژگی مهم دیگر قدرت ایدئولوژیک، توان گفتگو، مقابله و مناظره با سایر ایدئولوژی‌ها است. هر ایدئولوژی باید بتواند حوزه‌ی گفتگوی خود با سایر ایدئولوژی‌ها را مشخص کند. علاوه بر این باید بتواند در حوزه‌ی مسائل مشترک مانند انسان و سعادت بشری با رقبای خود مناظره کند و در موارد اختلاف باید بتواند با نفوذ سایر رقبا در پارادایم خود مقابله کند.

از جمله مظاهر قدرت ایدئولوژیک، مظاهر فرهنگی و غلبه‌ی فرهنگی است. اگر جهانی شدن به سمت جامعه جهانی واحدی در حرکت بود، جامعه‌ی فرهنگی واحدی ایجاد می‌شد که از لحاظ هنجارها، یعنی نظام‌ها و کردارهای آیینی، نزدیکی‌های فراوانی داشتند. در واقع، درجاتی از همگرایی به سمت فرهنگی واحد و مختص به کشورهای شمال در عرصه‌هایی مانند مصرف‌گرایی، انسان‌گرایی لیبرالی و زبان انگلیسی در حال پیدایش است. فرهنگ مصرف‌گرایی از طریق کالاهای فرهنگی ارزان به سرعت در سطح جهان در حال گسترش است. این کالاها عبارتند از مد، نوشیدنی‌ها، غذای سریع و آماده، موسیقی، سینما و تلویزیون و کالاهایی از این دست که تقریباً در دسترس تمام مردم جهان هستند. این کالاها علیرغم تطابق خویش با شرایط محلی در حال واژگونی بسیاری از هنجارها و آیین‌های محلی است که بر حوزه‌های مهم اجتماعی مانند شیوه‌های ازدواج، مناسبات والدین و فرزندان و فرمانبری

زنان غالب بوده است. این گرایش به یکسان‌سازی بیشتر در عرصه‌های خرد زندگی مانند رفتار افراد و خانواده‌ها نمود داشته است تا عرصه‌های کلان مانند سیاست. احتمالاً این موضوع مهمترین اثر وحدت بخش جهانی شدن است، زیرا با کالاهای بسیار ارزان در زندگی خصوصی مردم مصرف‌گرایی سرمایه‌داری را در سراسر جهان رواج می‌دهد.

دومین پدیده فرهنگی یعنی انسان‌گرایی لیبرال از طریق جنبش‌های سیاسی لیبرالی و سوسیال دموکراتیک، سازمان ملل، انبوه سازمان‌های غیردولتی و مفهوم حقوق بشر گسترش یافته است. این انسان‌گرایی غالباً غیرمذهبی و رنگ و بوی آمریکایی دارد. عامل زبان انگلیسی به عنوان رسانه‌ی ارتباط عمومی در اکثر بخش‌های مدرن در حال پیشروی است. در مقابل این ابزارهای فرهنگی برای غلبه‌ی فرهنگ غربی بر فرهنگ‌های دیگر دو جریان قدرتمند یعنی ناسیونالیسم قومی و نهضت‌های مقاومت مذهبی قرار دارند. این دو عامل مهمترین فرهنگ‌های مقابل با ایدئولوژی غربی بشمار می‌روند.

۱-۵-۴. ایدئولوژی اسلامی

در اندیشه اسلامی ایدئولوژی جلوه‌ای از دانش اداره زندگی است. ایدئولوژی «یک تئوری کلی، یک طرح جامع و هماهنگ و منسجم که هدف اصلی، کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص شده باشد و منبع الهام تکلیف‌ها و مسئولیت‌ها برای همه افراد بوده باشد (مطهری، ۱۳۷۷ش، ص ۵۴). شهید مطهری دین را در ساحت عمل، همان ایدئولوژی می‌داند: «دین» همان است که ما بیشتر به کار می‌بریم، یعنی یک نظام و ایدئولوژی که دارای یک سلسله عقاید و بینش‌ها و شناخت‌هاست درباره جهان، خدا، انسان و جهان دیگر، و نیز مشتمل است بر یک سلسله

دستورها برای رفتار در زندگی فردی و اجتماعی و این که چگونه باید بود و چگونه باید زیست (مطهری، ۱۳۷۷، ص ۶۴۲). البته باید در نظر داشت که ایدئولوژی اسلامی را نباید به مثابه بنیادگرایی اسلامی تعریف کرد؛ چرا که در بنیادگرایی اسلامی وجه اعتراضی و منفی اسلام برجسته می‌شود و وجه خشنی از اسلام پدید می‌آید که ذات منور قرآن را مخدوش می‌کند و نوعی خرق عادت است که بر خلاف آرمان‌نمایی اسلام عمل می‌کند (غریاق زندی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۴). بنابراین ایدئولوژی اسلامی چون برگرفته از دهاق وحی در قالب کتاب ارزشمند و کریم قرآن متبلور گردید به صورت کلی دارای ویژگی‌هایی بدین شرح می‌باشد: ۱- همه‌جانبگی: از جمله امتیازات اسلام نسبت به سایر ادیان دیگر جامعیت و همه‌جانبگی آن است. ۲- سماحت و سهولت: در این شریعت به حکم این که «سهله» است، تکالیف دست و پاگیر وضع نشده است: «ماجعل علیکم فی الدین من حرج» (حج: ۷۸). ۳- اصالت فایده: از نظر اسلام در هر کار، اعم از فردی و اجتماعی، باید در درجه اول فایده و نتیجه مفید آن در نظر گرفته شود، هر کاری که مفید فایده نباشد از نظر اسلام لغو و ممنوع می‌باشد؛ همچنانکه قرآن در این مورد می‌فرماید: «وللذین هم عن اللغو معرضون» (مؤمنون: ۳). ۴- اصلت خیر در مبادلات: گردش مال و ثروت و نقل و انتقال آن باید از هر نوع بیهودگی مبرا باشد و در مقابل هر نقل و انتقالی باید یک خیر مادی و معنوی در کار باشد. «ولاتأکلوا اموالکم بینکم بالباطل» (بقره: ۱۸۸). ۵- قداست دفاع از حقوق: دفاع از حقوق، اعم از حقوق فردی و اجتماعی و در مبارزه با متجاوز، واجب و مقدس است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من الظلم» (نساء: ۱۴۸). ۶- اصلاح جوی و مبارزه دائم با فساد: اصل امر به معروف و نهی از منکر در اسلام اصلی است که باید آن را پایه و استوانه سایر فرائض اسلامی دانست. این اصل، جامعه‌ی اسلامی را در حال یک انقلاب فکری مداوم و اصلاح‌جویی جاودان و مبارزه پیگیر و ناآرام با فسادها و تباهی‌ها نگه می‌دارد: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن

المنکر» (آل عمران: ۱۱۰). ۷- توحید: اسلام بیش از هر چیزی دین توحید است، هیچ گونه خدشه ای را در توحید چه توحید نظری و چه توحید عملی بر نمی تابد. اندیشه ها و رفتارها و کردارهای اسلامی از خدا آغاز می شود و به خدا پایان می یابد؛ از این رو هر نوع ثنویت یا تثلیث و تکثیری را که به این اصل خدشه وارد سازد، به شدت طرد می کند، پس این مفهوم را به تمام معنا می توان در آیه: «الحمد لله رب العالمین» (حمد: ۱)، مشاهده نمود.

۵. ابزارهای های لازم برای اعمال مؤلفه های حکمرانی جهانی

۱۵- سازمان ها و نهادهای بین المللی

سازمان ها و نهادهای بین المللی مهمترین ابزار کشورهای قدرتمند برای پیشبرد اهداف خود در سطح جهان به شمار می روند. اهمیت این سازمان ها در مشروعیت بخشی به خواست یک کشور در سطح بین الملل است. کشورها از طریق این سازمان ها خواسته های خود را تبدیل به خواست چندین کشور و حتی خواسته ی جهانی می کنند. به بیانی دیگر کشورها می توانند از طریق همراه کردن سازمان های بین المللی با خواست خود این موضوع را خواست کشورهای متعددی و حتی جامعه ی جهانی جلوه داده، از این منظر به آن مشروعیت بخشند. در چنین شرایطی مقابله با این خواست به مقابله با چندین کشور تبدیل می شود و از مشروعیت ساقط می شود. نمونه های متعددی از اینگونه رفتار کشورهای ابرقدرت را در سازمان ملل، شورای امنیت، بانک جهانی، آژانس بین المللی انرژی اتمی و ... در سال های اخیر می توان مشاهده نمود. این نهادها در مقابل تخطی کشورها از الزامات اجرایی و تنبیه های مناسبی بهره می برند و از این منظر کشورهای عضو را بیشتر ملزم به همراهی می کنند. این نهادها در مقابل سازمان ها و نهادهای داوطلبانه که فاقد پشتوانه ی اجرایی بوده و غالباً به گردهمایی و هماندیشی های دوره ای بسنده می کنند، از اثرگذاری بیشتری برخوردارند.

شرکت‌های چند ملیتی و بنگاه‌های بزرگ اقتصادی بین‌المللی در سطح جهانی از مهمترین سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی به شمار می‌روند که کشورهای قدرتمند برای پیشبرد اهداف خود از آنها بهره می‌برند. این شرکت‌ها از طریق همکاری بنگاه‌های اقتصادی چندین کشور به هماهنگی سازی منافع اقتصادی این کشورها با یکدیگر می‌پردازند. شرکت‌های چند ملیتی پیوند عمیق اقتصادی بین کشورها ایجاد می‌کنند و قدرت اقتصادی خود را در جهت منافع این کشورها به کار می‌گیرند. باید توجه داشت که این شرکت‌ها در بسیاری از مسائل اقتصادی بازوان مشروع و در عین حال بدون پوشش کشورهای قدرتمند برای تحقق اهداف خود به شمار می‌روند. به عبارت دیگر فراملیتی بودن این شرکت‌ها موجب می‌شود که در بسیاری از مسائل بین‌المللی درگیر باشند و در عین حال نمی‌توان رفتار آنها را به هیچ کشوری اختصاص داد. کشورهای قدرتمند اقتصادی در پوشش این شرکت‌ها در بسیاری از مسائل اقتصادی جهان نقش آفرینی و منافع خود را کسب می‌کنند (کاظمی، ۱۳۸۴).

۲-۵. رسانه های ارتباط جمعی

امروزه استراتژی رسانه‌ای جنبه‌ای حیاتی از سیاست خارجی دولت‌ها محسوب می‌شود. بویژه این که از دهه‌ی نود میلادی، با فروپاشی نظام سیاسی دوقطبی، تلاش برای جایگزین ساختن نظام جدید جهانی، با اولویت گسترش یافتن دامنه‌ی نفوذ آمریکا، شدت یافته است. ایالات متحده در این جهت، هم به ساز و کارهای نظامی، هم اقتصادی و هم فرهنگی نظر دارد. در نتیجه عرصه‌ی روابط بین‌الملل و سیاست خارجی کشورهای مختلف جهان، یک بوم شناسی جدید، وسیع و بی‌سابقه را در تاریخ معاصر خود تجربه می‌کنند که در آن استراتژی فعال رسانه‌ای ایالات متحده، به گونه‌ای تازنده و فزاینده سعی دارد بنیاد تمامی عادت‌ها، گرایش‌ها، ایده‌ها و ساختارهای قدیم نظام بین‌الملل را بر وفق مراد آمریکا تغییر دهد (محکمی، ۱۳۹۱).

از دیگر ابزارهای در اختیار کشورها برای اعمال مدیریت و نظر در تعاملات جهانی عواملی چون موقعیت جغرافیایی، جمعیت و نیروی انسانی، منابع طبیعی و مواردی از این دست می باشد. این گونه موارد را عوامل محیطی می نامیم چرا که محیط و فضای برای فعالیت بهتر یک کشور ایجاد می کنند. عوامل محیطی غالباً اکتسابی نیستند بلکه به شکل خدادادی در اختیار کشورها قرار می گیرند. نمونه هایی بسیار زیادی از اینگونه عوامل وجود دارد که کشورهای مختلف در تعاملات منطقه ای و حتی جهانی برای پیشبرد منافع خود از آن بهره برده اند.

از طرف دیگر، در حوزه مسائل جهانی نیز که قلمرو مطالعات ژئوپلیتیک است، به طور سنتی درباره ی مناسبات قدرت در سطح جهان و راه های دستیابی به قدرت جهانی و افزایش آن بحث و بررسی می شود. در حال حاضر تحولاتی که در سیاست جهان روی داده است تنوع بیشتری به مباحث ژئوپلیتیک بخشیده و این شاخه از جغرافیای سیاسی مفاهیم تازه و متنوعی را مورد بحث قرار می دهد. ژئوپلیتیک که به طور سنتی براساس اطلاعات، دیدگاه ها و تکنیک های جغرافیایی به مسائل سیاست خارجی کشورها می پردازد، یک نوع جغرافیای سیاسی کاربردی قلمداد می شود. موضوعاتی چون موقعیت جغرافیایی کشور یا کشورهای مورد نظر، اندازه، آب و هوا، عوارض جغرافیایی، جمعیت شناسی، منابع طبیعی، توسعه ی فناوری در حوزه ی موارد ژئوپلیتیک بحث و بررسی می شوند.

به هر روی اگر کشوری در تعاملات سیاسی از موقعیت ژئوپلیتیک برخوردار باشد می تواند از این موقعیت به عنوان ابزاری در تعاملات بین المللی منطقه ای و جهانی بهره برد. وجه تمایز این ابزار با دو ابزار پیشین در غیراکتسابی بودن آن است. به عبارت دیگر کشورهای جهان به سختی می توانند برای خود موقعیت ژئوپلیتیک بسازند. بنابراین کشورهایی که از این ابزار برخوردارند از

امتیاز مهمی نسبت به دیگر کشورها برخوردار هستند. البته لازم به ذکر است که کارکرد این ابزار در تعاملات جهانی محدود است.

۶. جمهوری اسلامی ایران و نظام بین الملل

وقوع انقلاب اسلامی ایران در منطقه خاورمیانه به عنوان یک منطقه بسیار مهم و حساس، سردمداران و سیاستمداران شرق و غرب را با پدیده‌ای نوین در نظام بین‌الملل و صحنه سیاست‌های جهانی مواجه ساخت؛ پدیده‌ای که با نگاه به مبانی، ماهیت، سرشت و اهداف آن که نشأت گرفته از دین مبین اسلام است نمی‌توانست در هیچ یک از قالب‌ها و معیارهای متعارف سیاسی جهان خصوصاً نظام دوقطبی در آن مقطع زمانی که مبتنی بر توازن قدرت بین شرق کمونیسم و غرب کاپیتالیسم بود قرار بگیرد و مورد تحلیل واقع شود؛ چرا که در این نظریات نقش دین، ارزش‌ها، هنجارها و توجه به درملندگان به نفع ابزارها و اهداف مادی، طبقات مسلط و قدرت‌های مسلط به گوشه‌ای رانده شده و مورد اغفال قرار گرفته شده بود. به گونه‌ای که میشل فوکو فیلسوف فرانسوی و نظریه پرداز پسامدرنیسم معتقد است که ما شاهد انقلابی در ایران بوده‌ایم که به هیچ عنوان نمی‌توان انگیزه وقوع آن را انگیزه‌های اقتصادی و مادی دانست چراکه شرایط و وضعیت اقتصادی آن به گونه‌ای نبوده که در نتیجه آن، میلیون‌ها ایرانی به خیابان‌ها ریخته و قیام کنند. بنابراین ریشه این انقلاب را باید در جای دیگر جستجو نمود آنها خواهان دگرگون ساختن نحوه زندگی مادی محور خود بودند و بیش از همه راه اصلاح را اسلام می‌دانستند (ملکوتیان، ۱۳۸۷، ص ۸۵).

انقلاب اسلامی ایران نقش دین، هنجار و اخلاق قرآنی را به نوعی در نظام بین‌الملل احیا نمود و در راستای تحقق اهداف خود در دستیابی به تغییر وضع موجود و برقراری نظم اسلامی دلخواه، رهایی بخشی انسان از بند ساختارهای مادی که او را به بند کشیده‌اند و دادن نقش فعال به آن در کارگزاری نظام بین‌الملل به جای دولت و تغییر این ساختار، توجه مجدد به دین، اخلاق و هنجارها در ساختارهای مادی و جبرگرایانه معیارهای زیر را دنبال نموده است.

۷. تغییر وضع موجود و نفی هژمونی قدرت‌های شرق و غرب

۷-۱. انقلاب ایران و شکستن ابهت شرق و غرب، نفی منطق دو قطبی و ستیز

با استکبار

جمهوری اسلامی ایران منبعث از ایدئولوژی قرآنی، به شدت سیاست ضد هژمونی دارد و تلاشی است برای به چالش کشیدن حوزه‌های انحصارگرایانه قدرت‌های تجاوزگر سیستم بین‌المللی و در سطح کلان‌تر برای حذف همه شکل‌های استعمارگرایی، استبداد و مطلق‌گرایی است بر این اساس انقلاب اسلامی چارچوب‌های ضدامپریالیسم و ضداستعمار و ضدکمونیسم را دنبال می‌کند.

امپریالیسم جهانی در قالب ایدئولوژی‌های کمونیسم و لیبرالیسم و با بهره‌گیری از نفوذ افکار و ایده‌های سیاسی، منابع و سلطه اقتصادی، قدرت و توان نظامی و رسانه‌های قدرتمند، دیگر دولت‌ها خصوصاً دولت ملت‌های ضعیف‌تر و وابسته را در دچار انفعال نموده و آنها را تحت انقیاد و سیطره خود قرار داده بودند. این دو ابرقدرت با اعمال نفوذ و ابلاغ لندیشه‌های خود، جهت دادن به اندیشه‌ها و رفتارهای دیگر دولت‌ها (اندیشه‌های مارکسیستی و کاپیتالیستی)، تحریف و از بین بردن هویتشان حتی به آنها اجازه نمی‌دادند برای رهایی‌شان بیندیشند. با وقوع انقلاب ایران که خارج از چارچوب‌های فکری کمونیستی و کاپیتالیستی و شعار (نه شرقی، نه غربی) که عمدتاً با نگاه به تغییر وضع موجود همراه بود، شکوه و قدرت پوشالی آنان شکسته شد و ملت‌ها و دولت‌ها دریافتند که می‌توان برای رهایی از استعمارگران کوشید. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور وقت آمریکا در جلسه شورای امنیت ملی آمریکا می‌گوید: آبرو و حیثیت ملی ما به خاطر انقلاب اسلامی به خطر افتاده است (قاسمیان، ۱۳۹۴، ص ۱۹۵).

امام فرمودند: «این انقلاب اسلامی یک انقلاب عادی نیست و متکی به هیچ یک از دو قطب شرق و غرب نمی‌باشد. از این جهت ویژگی‌های خاص خود را

داشته و دارد و با پیمودن صراط مستقیم لاشرقیه و لاغربیه در مقابل هر دو قطب ایستاده است و از هیچ یک از قدرت‌های افسانه‌ای نهراسیده است که همین موجب پیروزی معجزه آسایی گردیده است». انقلاب اسلامی ایران بلوک‌بندی‌ها، اتحادها و نظام دوقطبی که طی سال‌های طولانی در سطح جهان و نظام بین‌الملل تثبیت شده بود را در هم ریخت و با وجود رقابت، شکاف و تضاد عمیقی که بین دو بلوک شرق و غرب حاکم بود و شرایط سازش‌ناپذیری که بین آنها وجود داشت را وادار به سازش و اتخاذ موضع واحد در برابر این پدیده سیاسی جدید نمود و تحولات عمده‌ای را در مسائل مختلف جهان به دنبال آورد. بعد از فروپاشی نظام دوقطبی و طرح نظام سلسله‌مراتبی و به عبارت دیگر نظام تک قطبی، انقلاب اسلامی همچنان موضع آشتی‌ناپذیر خود را با نظام‌های ظالمانه‌ای حفظ کرد (محمدی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۲).

یکی از رفتارهای سیاست خارجی که از اصل استکبارستیزی و سلطه‌ستیزی نشئت می‌گیرد، مقابله نمایان و نمادین با نظام تک قطبی و هژمونیک است. اولین گام در راه مقابله با نظام هژمونیک نیز آشکار ساختن ماهیت ناعادلانه، غیرطبیعی و نامشروع آن است (دهقانی فیروزآبادی ۱۳۸۸، ص ۱۹۱). امام خمینی در پیام افتتاحیه اولین دوره مجلس شورای اسلامی فرمودند: سیاست نه شرقی، نه غربی را در تمام زمینه‌های داخلی و در روابط خارجی حفظ کنید (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۲).

بنابراین، انقلاب اسلامی ایران براساس اندیشه حضرت امام خمینی که منبعث از اساسنامه‌ی قرآن است، اندیشه‌ها و ایدئولوژی‌های موجود و مسلط در نظام بین‌الملل یعنی نظام دوقطبی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و نظام دوقطبی را به وسیله ارائه ایدئولوژی اسلامی خود، طرد و ایدئولوژی کمونیسم و کاپیتالیسم را با چالش روبه‌رو می‌کند و اندیشه، ایدئولوژی و الگوی سیاسی جدیدی را با عنوان اسلام سیاسی و انقلابی وارد عرصه روابط بین‌الملل نمود که اعلام می‌کند

نظامی مطلوب است که در آن، قدرت به طور متوازن بین ملت‌ها و دولت‌ها توزیع شده باشد.

از نظر انقلاب اسلامی آنچه در ساختار سیاسی نظام بین‌الملل موجود بوده است، مشخصاً وجود روابط سیاسی نابرابر، اعمال سلطه، نفوذ قدرت‌های بزرگ و وابستگی سیاسی کشورهای تحت سلطه بوده است که همگی ناشی از نابرابری در توزیع منابع قدرت و اعمال نفوذ و سلطه قدرت‌های بزرگ و انفعال دولت‌های تابع بوده است. لذا نحوه توزیع قدرت در ساختار سیاسی روابط بین‌الملل، نابرابر و ناقص حقوق ملت‌ها و کشورهای ضعیف و توزیع منابع مادی و طبیعی قدرت در سطح جهان یکسان نبوده است؛ در حالی که اصول و الگوهای رفتاری سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در برگیرنده مسئولیت انسانی، جهانی بودن و جهان گرایی، منافع انسانی و ضد هژمونی و اتحادیه هژمونی گرایی است.

۷-۲. کاهش اهمیت مرز و دولت در قرآن و توجه به نظم جهانی

با توجه به آموزه‌های قرآن که انقلاب اسلامی منبعث و برگرفته از آن می‌باشد، روابط بین‌الملل به روابط میان دولت‌ها محدود نیست و آنها تنها بازیگران این نظام محسوب نمی‌شوند. بر همین اساس می‌توان گفت، نظریه‌های پوزیتیویستی یا جریان اصلی که بر دولت به عنوان تنها یا مهمترین بازیگر در نظام بین‌الملل تأکید دارند برای بخشی دیگری از بازیگران روابط بین‌الملل نقش و جایگاهی قائل نبوده و آنها را در حاشیه قرار می‌دهند، در حالی که براساس آموزه‌های اسلام هرآنچه که در جهان وجود داشته و دارد در جهت سعادت بشر و در راستای به کمال رساندن همه انسان‌هاست و انقلاب اسلامی نیز با رویکرد اسلامی خود، ملت‌ها را کارگزار اصلی روابط بین‌الملل محسوب و دولت‌ها هم در راستای خدمت به ملت‌ها و در جهت منافع و مصالح آنها معنی و مفهوم می‌یابند؛ انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ

مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (آل عمران: ۱۰۳)، امت را جایگزین دولت در ساختار پوزیتیویستی نموده که ابتدا امت اسلامی شکل گرفته و بدنبال توسعه آن، امت جهانی واحد اسلامی تأسیس خواهد شد و متناسب با امت اسلامی و امت جهانی نیز مبانی عقیدتی را در ابتدا جایگزین معیارهای مادی، فیزیکی، نژاد، قومیت و وطن در تقسیم‌بندی مرزها و مرزبندی‌های جدید می‌نماید که در نهایت هم با ایجاد امت واحد جهانی این مرزهای عقیدتی هم برداشته می‌شود. از دیگر سو، تعبیر از این امور به «حبل الله» در واقع اشاره به یک حقیقت است، که انسان در شرائط عادی و بدون داشتن مربی و راهنما، در قعر دره طبیعت، و چاه تاریک غرائز سرکش، و جهل و نادانی باقی خواهد ماند. و برای نجات از این دره و برآمدن از این چاه نیاز به رشته و ریسمان محکمی دارد که به آن چنگ بزند و بیرون آید، این رشته محکم همان ارتباط با خدا از طریق قرآن و آورنده قرآن و جانشینان واقعی او می‌باشد، که مردم را از سطوح پائین و پست بالا برده و به آسمان تکامل معنوی و مادی می‌رسانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۲۸). سپس قرآن به نعمت بزرگ اتحاد و برادری اشاره کرده و مسلمانان را به تفکر در وضع اندوهبار گذشته، و مقایسه آن «پراکندگی» با این «وحدت» دعوت می‌کند، و می‌گوید: فراموش نکنید که در گذشته چگونه با هم دشمن بودید ولی خداوند در پرتو اسلام و ایمان دل‌های شما را به هم مربوط ساخت، و شما دشمنان دیروز، برادران امروز شدید و جالب توجه اینکه کلمه «نعمت» را دو بار در این جمله تکرار کرده و به این طریق اهمیت موهبت اتفاق و برادری را گوشزد می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۳۰). نکته دیگر اینکه مسئله تالیف قلوب مؤمنان را به خود نسبت داده، می‌گوید: خدا در میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و با این تعبیر، اشاره به یک معجزه اجتماعی اسلام شده، زیرا اگر سابقه دشمنی و عداوت پیشین عرب را درست دقت کنیم که چگونه کینه‌های ریشه‌دار در طول سال‌های متمادی در دل‌های آنها انباشته شده بود، و چگونه یک موضوع جزئی و ساده کافی بود آتش جنگ خونینی در میان آنها بی‌فروزد مخصوصاً با توجه به اینکه مردم نادان و بی‌سواد و نیمه وحشی معمولاً افرادی لجوج و انعطاف‌ناپذیرند، و به آسانی حاضر به فراموش کردن کوچکترین مسائل

گذشته نیستند، در این صورت اهمیت این «معجزه بزرگ اجتماعی» اسلام آشکار می‌شود، و ثابت می‌گردد که از طرق عادی و معمولی امکان‌پذیر نبود که در طی چند سال، از چنان ملت پراکنده و کینه‌توز و نادان و بی‌خبر، ملتی واحد و متحد و برادر بسازند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۳، ص ۳۳).

جان دیون پورت، دانشمند معروف انگلیسی در قرن ۱۸ میلادی، می‌نویسد: «محمد یک نفر عرب ساده، قبائل پراکنده کوچک و برهنه و گرسنه کشور خودش را مبدل به یک جامعه فشرده و با انضباط نمود و در میان ملل روی زمین آن‌ها را با صفات و اخلاق تازه‌ای معرفی کرد، و در کمتر از سی سال، این طرز و روش امپراطور قسطنطنیه را مغلوب کرد، و سلاطین ایران را از بین برد. سوریه و بین النهرین و مصر را تسخیر کرد و دامنه فتوحاتش را از اقیانوس اطلس تا کرانه دریای خزر و تا رود سیحون بسط داد» (دیون پورت، ۱۳۸۸ش، ص ۷۷).

بنابراین با ابتناء به این مهم، جمهوری اسلامی ایران تنها دولت ملت را منبع قانونی و مشروع وفاداری انسانی و اسلامی نمی‌داند و مرزهای ایدئولوژی و عقیدتی را ملاک قرار داده که این مرزهای عقیدتی اسلامی و غیر اسلامی هم با ظهور امام زمان (عج) محو خواهد شد و همه تحت رهبری او قرار می‌گیرند. انقلاب اسلامی امت را جانشین دولت می‌کند و وفاداری ملی جای خود را به تعهدات اسلامی و ایدئولوژی می‌دهد (Dehghani Firouz Abadi ۲۰۰۵:۱۶).

انقلاب اسلامی در سیاست خارجی خود خواهان توسعه و ایجاد نظم دلخواه و اسلامی خود است. از این رو، صدور انقلاب از همان روزهای نخست، مورد توجه مسوولان قرار گرفت و بدین‌سان، صدور انقلاب به مفهوم صدور اندیشه و عقاید انقلاب که منبعث از دین اسلام است در برنامه‌ی کار انقلابیان قرار گرفت. ایدئولوگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) صدور انقلاب را به مفهوم صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی، همچون استقلال، نیل به

خصلت‌های انسانی و خودکفایی حمایت از مستضعفان و رنج دیدگان و محرومان، ایجاد عدالت اجتماعی و نفی اشرافی‌گری، تبعیض و نژادپرستی تعریف نمود (اسپوزیتو ۱۳۸۲، ص ۲۶۱).

برهمن اساس جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی خود رویکرد انتقادی نسبت به وضع موجود که مبتنی بر ثبات دولت و ملت است دارد و به دنبال جایگزینی نظم اسلامی برای آن هستند و این به معنی فراتر رفتن از ملت است و همچنین به عنوان هدف بلند مدت جمهوری اسلامی ایران در پی ایجاد جامعه جهانی اسلامی است که این برگرفته از ماهیت اسلامی و جهانی بودن اسلام و انقلاب اسلامی و دسترسی به اسلام برای تمام بشر است (Dehghani, ۲۰۰۵: ۱۶). ما باید اسلام را در جهان توسعه دهیم تا تسلط قدرت‌های بزرگ را برکنیم (امام خمینی، ۱۳۷۹، صص ۲۲۴-۲۲۵).

۸. جمهوری اسلامی و حکمرانی جهانی

جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای است که سایرین و به ویژه قدرت‌های بزرگ از این نهادها در قالب ایده حکمرانی جهانی علیه منافع آن بسیار بهره برده اند. همواره این نهادها جز در مواردی استثنایی، ابزاری برای تعرض قدرت‌های بزرگ به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند. بنابراین، عجیب نیست که ایران همواره به این نهادها و ایده حکمرانی جهانی با بدبینی و از زاویه تهدید نگریسته و مناسبات پرتنشی با آنها داشته است. گرچه ایران از این نهادها دوری گزیده اما آنها همواره اثرات خود را بر موقعیت جهانی ایران بر جای گذاشته‌اند. از این رو، احتمالاً روابط ایران با این نهادها در یک دهه آینده نیز بر اهمیت خواهد ماند.

دیدگاه ایران نسبت به حکمرانی جهانی بر این اساس است که حکمرانی جهانی، ساختار همان موازنه ی قدرت است که مبتنی بر منافع دولت‌های بزرگ شکل گرفته است و فرآیندهای آن بر اساس تامین بیشتر منافع دولت‌های بزرگ شکل

می‌گیرد. حکمرانی جهانی چیزی جز این ساختارها و فرآیندها برای ایجاد یک نوع موازنه‌ی قدرت جدید در راستای منافع قدرت‌های بزرگ نیست. رابرت گیلپین، با ارجاع به هدلی بول، نتیجه می‌گیرد که نظام حکمرانی جهانی نهایتاً تحت کنترل و سلطه‌ی قدرتمندترین دولت جهان (ایالات متحد). به عنوان هژمون جهانی) خواهد بود و نظام خطرناک خود کامگی را ایجاد خواهد کرد نظامی که نظام دولتی متوازن در قالب آنارشی به مراتب بر آن ارجحیت دارد (Diez et al, ۲۰۱۱: ۷۵).

گسترش و جهانی شدن دموکراسی را به عنوان تنها الگوی حاکمیت قانونی و بر پایه‌ی یک نظام بین‌المللی، با سازمان‌های مربوط و عضویت همه‌ی کشورهای جهان، هم‌چون بخشی از ساخت جهانی شدن مطرح می‌کند و توانمندی کنش سیاسی توأم با همکاری چندجانبه است. تعیین و تامین نیازمندی‌های عمومی جهانی مستلزم قرار داشتن در مرکز تصمیم‌گذاری است. نکته‌ی بسیار مهم این است که پرنفوذترین تشکیلات در بین این سازمان‌ها آن‌هایی هستند که کشورهای ثروتمند برای کشورهای ثروتمند بنیان‌گذارده‌اند (کلاوس مولر، ۱۳۸۴، ص ۲۳) بنابراین فرآیند حکمرانی جهانی در عصر حاضر مبنی بر الگوی دموکراسی، تعمیم یافته است که این نگاه مورد انتقاد و عدم پذیرش جمهوری اسلامی است.

یکی از رفتارهای سیاست خارجی که از اصل استکبارستیزی و سلطه‌ستیزی نشئت می‌گیرد، مقابله نمایان و نمادین با نظام تک قطبی و هژمونیک است. اولین گام در راه مقابله با نظام هژمونیک نیز آشکار ساختن ماهیت ناعادلانه، غیرطبیعی و نامشروع آن است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص ۱۹۱).

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هم در برگیرنده مسئولیت انسانی، جهانی بودن و جهان‌گرایی، منافع انسانی و ضد هژمونی و اتحادیه هژمونی‌گرایی است. در واقع انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن امت را جایگزین دولت در ساختار پوزیتیویستی نموده که ابتدا امت اسلامی شکل گرفته و بدنبال توسعه

آن امت جهانی واحد اسلامی تأسیس خواهد شد و متناسب با امت اسلامی و امت جهانی نیز مبانی عقیدتی را در ابتدا جایگزین معیارهای مادی، فیزیکی، نژاد، قومیت و وطن در تقسیم‌بندی مرزها و مرزبندی‌های جدید می‌نماید که در نهایت هم با ایجاد امت واحد جهانی این مرزهای عقیدتی هم برداشته می‌شود.

از نظر انقلاب اسلامی آنچه در ساختار سیاسی نظام بین‌الملل موجود بوده است، مشخصاً وجود روابط سیاسی نابرابر، اعمال سلطه، نفوذ قدرت‌های بزرگ و وابستگی سیاسی کشورهای تحت سلطه بوده است که همگی ناشی از نابرابری در توزیع منابع قدرت و اعمال نفوذ و سلطه قدرت‌های بزرگ و انفعال دولت‌های تابع بوده است. لذا نحوه توزیع قدرت در ساختار سیاسی روابط بین‌الملل، نابرابر و ناقص حقوق ملت‌ها و کشورهای ضعیف و توزیع منابع مادی و طبیعی قدرت در سطح جهان یکسان نبوده است. اصول و الگوهای رفتاری سیاست

انقلاب اسلامی در سیاست خارجی خود خواهان توسعه و ایجاد نظم دلخواه و اسلامی خود است. از این رو، صدور انقلاب از همان روزهای نخست، مورد توجه مسوولان قرار گرفت و بدین‌سان، صدور انقلاب به مفهوم صدور اندیشه و عقاید انقلاب که منبعت از دین اسلام است در برنامه‌ی کار انقلابیان قرار گرفت. ایدئولوگ انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) صدور انقلاب را به مفهوم صدور ارزش‌ها، آرمان‌ها و تجربیات انقلاب اسلامی، همچون استقلال، نیل به خصیلت‌های انسانی و خودکفایی حمایت از مستضعفان و رنج دیدگان و محرومان، ایجاد عدالت اجتماعی و نفی اشرافی‌گری، تبعیض و نژادپرستی تعریف نمود (اسپوزیتو، ۱۳۸۲، ص ۲۶۱).

براساس مطلوبات اسلامی، نحوه توزیع قدرت در ساختار سیاسی روابط بین‌الملل، نابرابر و ناقص حقوق ملت‌ها و کشورهای ضعیف است. توزیع منابع مادی و طبیعی قدرت در سطح جهان یکسان نبوده و آنچه در ساختار سیاسی عینی نظام بین‌الملل رخ داده است، ناشی از روابط سیاسی نابرابر، اعمال سلطه، نفوذ قدرت‌های بزرگ و وابستگی سیاسی کشورهای تحت سلطه است. از طرفی،

چگونگی توزیع قدرت، سبب شکل‌گیری ساختار نظام‌بین‌الملل دو قطبی و چند قطبی در تاریخ معاصر روابط بین‌الملل شده است و جهان میان قطب‌ها یا قدرت‌های بزرگ تقسیم شده است. این توزیع نابرابر قدرت باعث تشدید وابستگی ساختاری کشورهای ضعیف به کشورهای قوی شده و در نتیجه کشورهای قدرتمند برای دخالت در دیگر کشورها خود را دارای حق می‌دانند (دهشیری، ۱۳۷۹، ص ۲۶۸).

اندیشه‌ی اقتصادی جمهوری اسلامی هم همان اسلام مبتنی بر عدالت و کرامت انسانی است. این اندیشه نیز نگاهی جهانی دارد و طبیعتاً نظام اقتصادی مبتنی بر آن با نظام فعلی جهانی متفاوت است این نگرش مدیریتی به حکمرانی جهانی که نگرشی به حل و فصل مشکلات عملی و قابل حل علاقه دارد و قطعاً کاری به این مسئله‌ی کلی ندارد که گناه فقر و بهره‌کشی به گردن کیست یا چگونه باید نظم حاکم بر جهان را تعدیل کرد. با اتخاذ این برداشت تلویحاً مدیریتی از حکمرانی جهانی، حی‌الامکان از ابعاد آشکارا سیاسی و میان دولت‌های ثروتمند و فقیر پرهیز می‌شد و این نگاه با نگاه برابر و عادلانه و توجه به نابرابری‌ها در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ناسازگار است.

حکمرانی جهانی برآمده از جهانی شدن است و از نگاه بسیاری از تحلیلگران، خصوصا از نگاه کشورهای در حال توسعه، جهانی شدن به نوعی مدیریت جهان از سمت و سوی قدرت های بزرگ و در جهت منافع آنهاست؛ چرا که با توجه به مؤلفه های لازم برای حکمرانی جهانی و همچنین ابزارهای لازم برای عملی کردن مؤلفه ها با توجه به ساختار نابرابر قدرت و ثروت که کشورهای شمال را در مسیر بهتر و شرایط بسیار مناسب تری قرار داده، حکمرانی جهانی برخاسته از جهانی شدن را، نوعی مدیریت براساس خواسته های قدرت بزرگ می دانند. از جمله این ابزارها برای حصول حکمرانی جهانی، شامل فعالیت های سازمان ملل متحد و سایر سازمان های بین حکومتی و ترتیبات همکاریانه ی مستمر میان دولت هاست که عمدتا تحت تاثیر و خواسته قدرت های بزرگ قرار دارند.

بر همین مبنا، انقلاب ایران با نگاهی متأثر از قرآن، با تغییری که به همراه دارد در زمره نظریه های شالوده شکن و انتقادی به این مدل از حکمرانی قرار می گیرد؛ چراکه در پی طرح مباحث نظری و ارائه ادبیات خود در روابط بین المللی و توسعه مفهوم حکمرانی جهانی مطابق با نگاه توحیدی و اسلامی خود است، نه بر مبنای ارزش ها و اصول لیبرال و کاپیتال کشورهای غربی. و با داشتن و ارتقای مؤلفه های لازم یعنی قدرت اقتصادی؛ نظامی؛ سیاسی و ایدئولوژیک منبعت از قرآن، می تواند به عنوان کشوری موثر و جهت دهنده در حکمرانی جهانی، حضور یابد و مطلوبات خود را با تونایی بیشتری به جهان و مدیریت جهان عرضه نماید و فرهنگ اسلامی و دینی خود را با کلیدواژه «امت واحده»، حول محور توحید بر فرهنگ متأثر از چپاولگری و مصرف گرای غربی تفوق دهد.

منابع

قرآن کریم

- اسپوزیتو، جان. ال (۱۳۸۲). انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن، ترجمه محسن شانه چی، تهران: انتشارات قلم.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحرير و التنوير، بيروت: مؤسسه التاريخ العربی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۳). تفسیر تسنیم، قم: نشر اسراء.
- حقّی بروسوی، اسماعیل (۱۴۲۱). تفسیر روح البیان، تصحیح احمد عزّ و عنایه، بیروت: دارإحياء التّراث العربی.
- دهشیری، محمد رضا (۱۳۷۹). درآمدی برنظریه سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دهقانی فیروز آبادی، جلال (۱۳۸۸). «گفتمان عدالت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، معرفت سیاسی، ۱ (۱)، صص ۱۵۷-۱۹۳.
- دیون پورت، جان (۱۳۸۸). عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه غلامرضا سعیدی، تهران: اطلاعات.
- رابرتسون، رونالد (۱۳۸۵). جهانی شدن (تئوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی)، ترجمه ی کمال پولادی، تهران: نشرثالث.
- سیدرضی (۱۳۸۸). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران: یاسین نور.
- صالحی، حجت (۱۳۸۴). سازگاری مفهوم حکمرانی جهانی با بحران خاورمیانه، (پژوهشنامه ی چهل و یکم: سازمان های بین المللی)، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰). المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- غرایاق زندگی، داود (۱۳۹۴). «اسلام و روابط بین الملل: رویکرد هستی شناختی»، پژوهش های جهان اسلام، ۵ (۴)، صص ۱۱۳-۱۳۶.

- کازمی، بابک (۱۳۸۸). «نقدی بر شرکت‌های چندملیتی»، اقتصاد انرژی، ش ۷۹ و ۸۰.
- گریفیتس، مارتین (۱۳۸۸). دانشنامه روابط بین الملل و سیاست جهان، ترجمه ی علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- قاسمیان، علی (۱۳۹۴). «تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر تحولات نظام سیاسی بین‌الملل»، علوم سیاسی، مطالعات سیاسی، ۸ (۳۰)، صص ۱۸۱-۲۰۵.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۳۸۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). انسان و ایمان، تهران: انتشارات صدرا.
- (۱۳۷۷). آشنایی با قرآن، تهران: انتشارات صدرا.
- (۱۳۷۳). جهاد، قم: انتشارات صدرا.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). جنگ و جهاد در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۳۰). بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محکی، علی اصغر (۱۳۹۱). کارکرد رسانه‌ها در سیاست خارجی، پایگاه گفتمانی تحلیلی امید.
- ملک احمدی، فرشاد (۱۳۹۱). دولت و جامعه، اطلاعات سیاسی و اقتصادی.
- مان، مایکل (۱۳۸۸). جهانی شدن و ۱۱ سپتامبر، ترجمه ی حسن مرتضوی از کتاب جهانی شدن، جهانی سازی پیشینه و چشم انداز، گردآورنده: علی امینی، تهران: نشر دیگر.
- مگداف، هری (۱۳۸۳). سرمایه داری همچون اقتصاد جهانی، ترجمه ی اکبر معصوم بیگی، از کتاب جهانی شدن، جهانی سازی پیشینه و چشم انداز، گردآورنده: علی امینی، تهران: نشر دیگر.

- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۷). بازخوانی علل وقوع انقلاب اسلامی در سپر نظریه پردازان، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.

انگلیسی

- Clarke, John and Geoffrey Edwards (eds) (۲۰۰۴) **Global Governance In The Twenty-First Century** (Palgrave Macmillan).

- Dehghan Firouz Abadi, jalal. ۲۰۰۸. Emancipation Foreign Policy: Critical Theory and Islamic Republic of Iran's Foreign Policy. **The Iranian Journal of International Affair**. ۳: ۱-۲۶

- Diez, Thomas, Ingvild Bode and Alexandra Fernandes Da Costa (۲۰۱۱) **Key Concepts In International Relations** (SAGE)

- Finkelstein, Lawrence (۱۹۹۵) "What Is Global Governance?", **Global Governance** ۱, no. ۳.

- Guzman, Andrew (۲۰۰۱) **Global Gocernance and the WTO**, Boalt Working Papers in Public Law.

- Hybel, Alex Roberto (۲۰۰۹), "The Power of Ideology: From the Roman Empire to Al-Qaeda", Routledge

- Rosenau, James and Ernst-Otto Czempiel (eds) (۱۹۹۲) **Governance Without Government: Order and Change in World Politics** (Cambridge: Cambridge University press)

- Weiss, Thomas and Leon Gordenker (eds) (۱۹۹۶) **NGOs, the UN and Global Governance** (Boulder: Westview).